

بررسی تحلیلی - انتقادی آراء و اندیشه‌های هربرت بلومر

کریم رضادوست^۱

ایوب رستمی^۲

چکیده

بلومر به عنوان یکی از نظریه پردازان معاصر جامعه‌شناسی، سهم عمده‌ای در پیشبرد این علم داشته است. بسیاری از صاحب نظران او را مهم‌ترین نظریه‌پرداز کنش متقابل نمادین می‌دانند. از نظر بلومر ماهیت جامعه همان کنش متقابل اجتماعی است و باید آن را در میان کنشگران جستجو کرد. ساخت اجتماعی یا فرهنگ جامعه نیز در تحلیل نهایی آن، چیزی جز کنش متقابل اجتماعی نیست که بر مبنای موقعیت‌های مختلف، معانی و قالبی خاص به خود گرفته است. او روش‌های تحقیق در جامعه آن زمانه به ویژه به پوزیتیویست‌ها را نقد می‌کرد و آن‌ها را ناقص می‌دانست. از نظر او بهترین روش تحقیق در جامعه روش درون‌نگری همدلانه است. ما در این مقاله بر آن شدیم تا با روش تحلیلی-انتقادی پس از بیان اجمالی زندگی بلومر به بررسی تحلیلی افراد و اندیشه‌های موثر بر وی بپردازیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد که رویکرد ضدکارکردگرایی ساختاری بلومر را می‌توان از محوری‌ترین مطالعات در سطح جامعه‌شناسی خرد دانست. نظریه او بر نظریه پردازان برجسته زنی، پدیدار شناسان و روش‌شناسان قومی تأثیر گذاشته است. از نقاط ضعف او نیز می‌توان نخست به مفاهیم استفاده شده در این دیدگاه به خاطر گنگ و نامفهوم بودنشان انتقاد کرد. همچنین از آن جا که تحقیق طبیعت‌گرایانه او، نظریه‌ها را از داده‌ها استنتاج می‌کند و بر دیدگاه افراد مورد مشاهده و مصاحبه مبتنی است، احتمال بسیاری وجود دارد که دیدگاه محققان و افراد مورد بررسی سبب شود سوگیری در داده‌ها و اطلاعات بروز کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)،

rezadoostk@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز Rostami.ayoub@gmail.com

مقدمه

بلومر^۱ به عنوان یکی از جامعه‌شناسان مکتب کنش متقابل سهم عمده‌ای در پیشبرد نظریه‌های جامعه‌شناسی ایفا کرده است. او در هفتم مارس سال ۱۹۰۰، در شهر سن لوئیس، واقع در ایالت میسوری آمریکا به دنیا آمد. او ذهن خلاق و استعداد شگرفی داشت و در سال ۱۹۱۸ توانست به دانشگاه میسوری وارد شود. در دانشگاه میسوری توانست با برخی چهره‌های درخشان آن روزگار آشنا شود، به ویژه جامعه‌شناسی چون چارلز الود و روان‌شناس رفتارگرا ماکس میر.

در سال ۱۹۳۳ مطالعات دوره دکتری خود را در رشته جامعه‌شناسی در دانشگاه شیکاگو به اتمام رساند و در همان دانشگاه به عنوان استادیار استخدام شد. در خلال سال‌های فعالیت دانشگاهی خود از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۵۱ در شیکاگو کارهای اضافی دیگری نیز به عنوان مذاکره کننده در باب مسایل کار و کارگری به انجام رساند. بلومر در سال ۱۹۶۹ مهم ترین کتاب خود را تحت عنوان "چشم‌انداز و روش کنش متقابل‌گرایی نمادین" به چاپ می‌رساند. او علاوه بر دارا بودن عنوان پروفیسور برجسته، دارای دکتری افتخاری در علوم، کرسی استادی در دانشگاه‌های شیکاگو و برکلی بوده و تا سال ۱۹۶۱ ریاست مؤسسه علوم اجتماعی در دانشگاه برکلی را عهده‌دار بوده است. همچنین اولین کسی که در پهنه علم جامعه‌شناسی رسماً با جامعه‌شناسی عواملی به مخالفت پرداخت بلومر بود. او معتقد بود در علوم اجتماعی هیچ چیز تعیین کننده‌ای در مورد رفتار انسان نمی‌توان یافت (تنهایی، ۱۳۷۸: ۴۵۳). وی ارایه کننده یکی از شاخص‌ترین نظریه‌های جامعه‌شناسی، یعنی تعامل‌گرایی نمادین است. محرک بلومر ناخشنودی وی از بسیاری از عرف‌های جامعه‌شناختی روزگارش بود و لذا در پی تدوین و نگرش نظریه انسان باورانه و عمل‌گرایانه خاص خود برآمد، نگرشی که به تعامل‌گرایی نمادین معروف شد (استونز، ۱۳۹۲: ۱۳۰).

نظریات بلومر همواره تلاش کرده تا وجه‌های ملموس و قابل مطالعه از کنش انسانی را به عنوان اعمالی که انسان‌ها با تفسیرشان از وضعیتی که در آن قرار دارند، انجام می‌دهند، به نمایش بگذارد و به تحلیل آن‌ها بپردازد (عبدوس و احمدیان، ۱۳۹۵). بنابراین به نظر می‌رسد که به کار بردن نظریه‌های بلومر برای فهم متقابل روابط آدمیان در جوامع مختلف تا حدود زیادی راه گشا و مفید باشد. البته باید در نظر داشت که برای استفاده از هر نظریه‌ای، باید بر ساخت، ماهیت و موقعیت و شرایط فرهنگی و اجتماعی در آن جامعه اشراف کامل داشت تا بتوان با کاربرد صحیح آن به نتایج مطلوبی رسید. از طرف دیگر استفاده از روش‌های کیفی در کنار روش‌های کمی می‌تواند بسیار مؤثر باشند. این روش‌های به خصوص در مطالعات عمیق اجتماعی و فرهنگی، جهت تدوین برنامه‌ریزی‌ها بسیار مفیدند.

پرسش‌های پژوهشی

۱. Blumer

این پژوهش به دنبال بررسی پاسخ‌های زیر است:

-افراد و اندیشه‌های مؤثر بر بلومر کدامند؟

-اصول و مبانی نظریه کنش متقابل کدامند؟

-قضایای بنیادی نظریه‌های بلومر کدامند؟

-متغیرهای مستقل و وابسته کلیدی نظریات بلومر کدامند؟

-مبانی بینشی و روشی بلومر چیست؟

-نقاط قوت و ضعف اساسی نظریه پردازان متقابل گرا و اندیشه‌های بلومر کجاست؟

پیشینه پژوهش

صلیبی (۱۳۹۰)، در تحقیقی تحت عنوان "تحلیلی بر سهم ارتباطات غیر کلامی در کنش متقابل اجتماعی"^۱ به تبیین سهم ارتباطات غیر کلامی به مثابه یکی از سه سنخ ارتباطات اجتماعی یعنی، کلامی، غیر کلامی و پیراکلامی در کنش متقابل اجتماعی پرداخته است. همچنین در این راستا به دو زیر ساخت نظری جامعه‌شناختی و روان‌شناختی اجتماعی کنش متقابل اجتماعی برای به تصویر کشیدن نقش مکمل و مهم ارتباطات غیر کلامی در مبادلات کلامی کنشگران در دریافت پیام تشریح و نقش نشانه‌های غیر کلامی و کارکردهای آن پرداخته است (صلیبی، ۱۳۹۰).

غفاری نسب و ایمان (۱۳۸۸)، در تحقیقی با عنوان "بررسی روش‌شناسی هربرت بلومر در مطالعات اجتماعی" به بررسی دیدگاه بلومر درباره روش‌شناسی تحقیقات کیفی پرداخته‌اند. آن‌ها در این تحقیق به واکنش بلومر (رویکرد تفسیری در علوم اجتماعی) در برابر سیطره جامعه‌شناسی کاربردی- ساختاری و روش‌های کمی در علوم اجتماعی و نقد او (بلومر) از روش‌شناسی اثبات‌گرا و کاربرد تکنیک‌های کمی در تحقیقات جامعه‌شناسی می‌پردازند. در آخر نیز، به نقد رویکرد بلومر درباره روش تحقیق در علوم اجتماعی می‌پردازند (غفاری نسب و ایمان، ۱۳۸۸).

تنهایی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان "ساختار شناسی کنش پیوسته در نظریه کنش متقابل نمادی هربرت بلومر" در تحلیل تبیین ساختاری نگاه بلومر از جامعه، کنش نمادی را با دو مفهوم ۱- واحد کنش به عنوان واحدی برای مطالعه‌ی خود رفتار بشری و ۲- کنش پیوسته به عنوان واحدی برای مطالعه انبوه جامعه، شرح می‌دهد. در این معنا جامعه برای بلومر می‌تواند هم به عنوان ساخت اجتماعی سرسخت و هم به شکل کنش پیوسته در جامعه‌شناسی کلان، که بلومر آن را با عنوان مطالعه‌ی انبوه معرفی می‌کند مطالعه شود.

تنهایی (۱۳۷۸) در مقاله‌ای تحت عنوان "جایگاه نظریه هربرت بلومر در جامعه‌شناسی معرفت" به بررسی جایگاه نظریه مید و بلومر در فرایند تاریخی تکوین جامعه‌شناسی معرفت، نظریه جامعه‌شناسی

۱. social interaction

معرفت بلومر را با نظریه بنیان‌گذاران معروف جامعه‌شناسی معرفت، به‌ویژه نگرش مارکس و مارکس گرایان نو مقایسه نموده است. این مقایسه، به‌ویژه با توجه به مفهوم کنش پیوسته و مفهوم تازگی، نظریه بلومر را همساز با نظریات بزرگان حوزه فرانکفورت و رادیکالیسم تفسیرگرا تشخیص داد.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق با توجه به موضوع و ماهیت آن، به صورت کیفی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل اندیشه‌ها و نظریه‌های منتشر شده از هربرت بلومر، که مورد تأیید مرکز دانشگاهی و علمی قرار گرفته است، می‌باشد. در تجزیه و تحلیل یافته‌ها و جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق، ابتدا مروری به زندگی‌نامه و افراد و اندیشه‌های مؤثر بر تفکر بلومر، اندیشه‌ها و نظریه و سپس به تجزیه و تحلیل و نقد آن‌ها پرداخته شده است. جهت بالا بردن روایی و اعتبار تحقیق سعی شده است که از منابع معتبر استفاده شود.

خاستگاه فکری متفکر (افراد و اندیشه‌های مؤثر بر اندیشه متفکر)

جورج هربرت مید^۱

بلومر که شاگرد خاص مید بود، تا سال ۱۹۳۰ به عنوان سخنگوی مکتب رفتارگرایی اجتماعی مید شناخته می‌شد. اما از آن سال به بعد و با مرگ مید، با قبول اصول اساسی کار مید پایه‌های نظام فکری خود را پی‌ریخت. بلومر مدعی است، هر چند که اندیشه‌اش مبتنی بر اندیشه هربرت مید است، ولی اساس مشارکت او در این دیدگاه، رفع کمبودها و طرح بسیاری از ایده‌هاست که به طور ضمنی در اندیشه مید ناتمام مانده است. در واقع، بلومر روشن‌گر و تفسیرکننده مکتب کنش متقابل نمادین می‌باشد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۲۴۲).

اما پیش‌تر از این نظریه کنش متقابل نمادین ریشه در افکار متفکرانی چون جان دیویی^۲، ویلیام جمیز، ویلیام توماس، چارلز کولی، جورج زیمل^۳ و ماکس وبر دارد که در شکل‌دهی به این نظریه مؤثر بوده‌اند. پس از مید نیز آرای افرادی چون بلومر، گارفینگل، استرایکر، کوهن و دیگران در ارایه این نظریه مؤثر واقع شده‌اند. قابل ذکر است که بلومر در سال ۱۹۳۷ طی یک سخنرانی و برای اولین بار اصطلاح نظریه‌ی کنش متقابل نمادین را به کار برد (تنهایی؛ ۱۳۷۸: ۲۳۷).

رفتارگرایی^۴ و نظریه‌های جامعه‌شناختی پهن دامنه

۱. George Herbert Mead

۲. John Dewey

۳. Georg Simmel

۴. Behaviorism

تفاوت نگاه مید و بلومر در این است که مید تلاش می‌کرد میان نظریه نو پای کنش متقابل نمادین با رفتارگرایی تمایز قایل شود، اما بلومر سعی داشت این نظریه را در مواجهه با دو رویکرد متمایز کند؛ اول، رفتارگرایی تقلیل‌گرایانه که تأکید بر تأثیر محرک‌های خارجی روی رفتار فرد داشتند (هم چنان که مید این نگاه را داشت) و دوم؛ رویکرد نظریه‌های جامعه‌شناختی پهن دامنه، به ویژه کارکردگرایی ساختاری، به عقیده‌ی بلومر رفتارگرایی و کارکردگرایی ساختاری، هر دو گرایش به این دارند که عواملی مانند هنجارها، ساختارها و محرک‌های خارجی؛ رفتار انسانی را شکل می‌دهند. اما هر دوی این نظریه‌ها برای فراگرد ذهنی در انسان اهمیتی قایل نیستند، یا نقش تعیین‌کننده‌ای برای آن‌ها در نظر نمی‌گیرند. حال آن‌که به عقیده او، کنشگران از طریق فراگرد ذهنی به نیروهای تأثیرگذار بر آن‌ها و نیز رفتار خودشان معنا می‌بخشند. انتقاد اصلی بلومر این بود که رفتارها و کنش‌های انسان نتیجه یک گرایش سازمان‌یافته آماده‌ی نیست که در درون کنشگر وجود دارد و توسط عواملی مانند هنجارها و یا محرک‌های خارجی برانگیخته می‌شود. به بیان دیگر، کنش‌های فرد، کنش‌هایی ماشینی نیستند که از قبل در فرد نهادینه شده باشد و ملکه ذهن او گردیده باشد. بلکه کنش‌ها، ناشی از فراگردی است که کنشگر از طریق آن عملش را ساخته و پرداخته می‌کند. در یک جمله، با هر نظریه‌ی روان‌شناختی که فراگرد معنا سازی کنشگران را نادیده بگیرد و نقشی برای خود انسان و اختیار او قائل نباشد مخالف است. از سوی دیگر بلومر با آن دسته از نظریه‌های جامعه‌شناختی نیز مخالف بود که رفتار انسان را ناشی از نیروهای خارجی پهن دامنه می‌دانند و بر ساختارهای اجتماعی و عوامل فرهنگی تأکید دارند. او معتقد بود، هم نظریه‌های جامعه‌شناختی پهن دامنه و هم نظریه‌های روان‌شناختی اهمیت معنا و ساخت اجتماعی واقعیت را نادیده می‌گیرند (ریترز، ۱۳۸۹: ۲۷۳-۲۷۲).

عمل‌گرایی (پراگماتیسم)

عملگرایان بر این اعتقادند که نخست حقیقت یا واقعیت به گونه‌ای آماده در جهان واقعی وجود ندارد، بلکه ضمن عملکرد ما در جهان به گونه فعالانه‌ای ساخته و پرداخته می‌شود؛ دوم آن‌که، آدم‌ها دانش‌شان درباره جهان را بر چیزی استوار می‌کنند که سودمندی آن برایشان ثابت شده باشد و بر همین پایه نیز دانش‌شان را به یاد می‌آورند؛ و سوم آن‌که مردم شناخته‌های اجتماعی و فیزیکی را که در جهان با آن برخورد می‌کنند بر حسب فایده‌ای که برای آن قایلند، تعریف می‌کنند. دیوید لویس و ریچارد اسمیت تأثیر جان دیویی و ویلیام جیمز فیلسوفان عملگرا را آن قدر زیاد می‌دانند که عنوان می‌کنند تأثیر این دو بر نظریه کنش متقابل نمادین از مید هم بیشتر است. به نظر آن‌ها نظریه کنش متقابل نمادین بیشتر تحت تأثیر رهیافت تسمیه‌گرایانه شکل گرفت و حتی با واقع‌گرایی فلسفی ناسازگار است. موضع تسمیه‌گرایانه این است که هر چند پدیده‌های سطح کلان وجود دارند، اما بر آگاهی و رفتار انسان، اثر مستقل و تعیین‌کننده‌ای ندارند. به بیانی مثبت‌تر این دیدگاه،

افراد را از نظر وجودی عاملان آزادی می‌انگارد که هنجارها، باورها و نقش‌های اجتماع را بر حسب منافع شخصی و طرح‌های لحظه‌ای‌شان، می‌پذیرند، رد می‌کنند، تعدیل می‌کنند و یا تعریف می‌کنند. برعکس، واقع‌گرایان اجتماعی بر جامعه و این امر تأکید دارند که جامعه چگونه فراگردهای ذهنی فرد را می‌سازد و نظارت می‌کند. از این دیدگاه کنشگران به جای آن‌که عاملان آزادی باشند، شناخت‌ها و رفتارهایشان تحت نظارت اجتماع گسترده‌تر قرار دارد (ریترز؛ ۱۳۸۹: ۲۷۰-۲۶۹).

متغیرهای مستقل و وابسته کلیدی

متغیر مستقل: تأثیر معانی و نمادها

متغیر وابسته: کنش و کنش متقابل بشری.

بلومر، به تاسی از استاد خویش مید، مسئله اصلی خود را در پژوهش‌هایش، بررسی تأثیر معانی و نمادها بر کنش و کنش متقابل بشری نهاد. در واقع از دید نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین فرق اساسی انسان با دیگر حیوانات، توانایی تولید معانی مشترک و نمادین می‌باشد. در واقع معانی و نمادها به کنش اجتماعی انسان (که مربوط به کنشگر واحد است) و کنش متقابل اجتماعی او (که دو یا چند کنشگر را به کنش متقابل اجتماعی می‌کشد)، ویژگی‌های متمایزی می‌بخشند. کنش اجتماعی^۱ همان کنشی است که افراد از طریق آن با دیگران به گونه ذهنی کنش برقرار می‌کنند. به عبارت دیگر، انسان‌ها در زمان انجام دادن کنش، می‌کوشند تأثیر کنش‌شان را بر کنشگران درگیر دیگر، سبک سنگین کنند (ریترز؛ ۱۳۸۹).

شرح نظریه‌های مهم

نظریه کنش متقابل نمادین

در مورد این که کنش تعامل‌گرایی نمادین از چه زمانی آغاز شد و پیشگامان آن چه کسانی بودند، نظرهای مختلفی ابراز شده‌اند. به نظر پروس^۲ (۲۰۰۴) می‌توان سابقه این مکتب را در دوران یونان باستان پی گرفت. از نظر هنسلین^۳ (۱۹۹۹)، تعامل‌گرایی نمادی را اخلاق‌گرایان اسکاتلندی آغاز کردند، و سپس پراگماتیست‌ها مانند ویلیام جیمز و جان دیویی آن را ادامه دادند و سرانجام، به جامعه‌شناسانی مانند کولی، توماس و مید رسید. ماسیونیز (۲۰۰۳)، ماکس وبر را بنیان‌گذار اصلی تعامل‌گرایی نمادی می‌داند. لوئیس و اسمیت (۱۹۸۰)، به تأثیر جامعه‌شناس آلمانی، جورج زیمل، بر ایده‌های رابرت پارک به عنوان یکی از بنیان‌گذاران مکتب شیکاگو اشاره می‌کنند. به هر حال کنش متقابل نمادین^۴ یکی از

۱. Social action

۲. Prus

۳. Henslin

۴. Symbolic Interactionism

دیدگاه‌های مهم نظری جامعه‌شناسی معاصر است که در دهه‌های اخیر بحث‌های فراوانی را برانگیخته است. این دیدگاه خود جزیی از بینش وسیع‌تری است، که جامعه‌شناسی پدیدارشناسانه نامیده شده است. مهم‌ترین اندیشمندان این نظریه، جورج هربرت مید و شاگردش، هربرت بلومر می‌باشد که مبدع این نظریه محسوب می‌شود و بعد از آن‌ها توسط گارفینگل، اروینگ گافمن، هوارد بکر، فاین، استرایکر، روزنبرگ و دیگران رشد و توسعه یافت.

مفاهیم بنیادین نظریه کنش متقابل نمادین

برای درک نظریه کنش متقابل نمادین، بهتر است که در ابتدا با مفاهیم آن شروع کنیم. در شرح و بسط نظریه کنش متقابل نمادین ناگزیریم از کار جرج هربرت مید بیان‌گذار اصلی این نظریه شروع کنیم و مفاهیمی که وی مد نظر داشت را مورد بررسی اجمالی قرار دهیم.

ذهن: مید ذهن انسان را به عنوان یک چیز یا یک پدیده در نظر نمی‌گرفت، بلکه آن را همچون یک فراگرد اجتماعی می‌پنداشت. به نظر او ذهن انسان با ذهن جانوران پست‌تر تفاوت کیفی دارد.

خود: برداشت و رویکرد فرد نسبت به شخصیت، ظاهر و توانایی‌هایش است که به گونه‌ای اجتماعی کسب می‌شود. به بیان دیگر، خود به معنای درکی که فرد از هویتش دارد و پاسخی است که فرد در جواب پرسش "من که هستم؟" می‌دهد. از دیدگاه مید، خود یک شناخته (واقعیت) عینی نیست، بلکه فراگرد آگاهانه‌ای است که ابعاد گوناگونی دارد و محصول رابطه‌ی میان «من» و «در من» است که اجزای تشکیل دهنده خود هستند (انوری؛ ۱۳۹۰: ۱۵۵-۱۵۴).

جامعه: به نظر مید، جامعه چیزی بیشتر از یک سازمان اجتماعی نیست که ذهن و خود در بطن آن پدید می‌آید و در واقع، مقوله‌ای ته نشستی است. او همچنین جامعه را بیشتر به عنوان الگوهای کنش متقابل در نظر می‌گیرد جامعه‌ای که ما به آن تعلق داریم، یک رشته واکنش‌های سازمان‌یافته در برابر موقعیت‌های معینی است که فرد در آن‌ها درگیر می‌شود. به همین سان، نهاد را نیز چیزی جز یک رشته واکنش مشترک، نمی‌انگارد (ریترز؛ ۱۳۸۹: ۲۸۱).

اصول و مبانی نظریه کنش متقابل نمادین

- ۱) انسان‌ها برخلاف جانوران پست‌تر استعداد تفکر دارند.
- ۲) استعداد تفکر با کنش متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد.
- ۳) معانی از طریق تعامل بین مردم آموخته می‌شوند و با مبادله نمادها در گروه‌های اجتماعی به وجود می‌آیند.
- ۴) در کنش متقابل اجتماعی، انسان‌ها معانی و نمادها را یاد می‌گیرند که به آن‌ها اجازه می‌دهند تا استعدادهای متمایز انسانی‌شان را برای تفکر به کار اندازند و همین معانی و نمادهاست که انسان‌ها را قادر می‌سازند تا با یکدیگر کنش متقابل انسانی انجام دهند.

۵) این نظریه کنشگر را در انجام عمل مختار می‌داند؛ یعنی کنشگر می‌تواند راه‌های امکان‌پذیر کنش را بیازماید، مزایا و عدم مزایای نسبی آن‌ها را بسنجد و سپس یک راه را برگزیند؛ بنابراین عمل او غیرقابل پیش‌بینی است.

۶) انسان‌ها می‌توانند معانی و نمادهایی را که در کنش‌های متقابل‌شان به کار می‌برند بر پایه تفسیری که از موقعیت دارند تعدیل کنند یا تغییر دهند.

۷) تمام ساخت‌ها و نمادهای اجتماعی را مردم از طریق تعامل با یکدیگر به وجود نمی‌آورند.

۸) الگوهای در هم تنیده کنش متقابل، گروه‌ها و جامعه را می‌سازند (انوری؛ ۱۳۹۰: ۱۵۷-۱۵۶).

قضایای بنیادین نظریه بلومر

بلومر در کتاب «چشم‌انداز و روش کنش متقابل‌گرایی نمادی» مفاهیم هستی‌شناختی و بنیادهای نظری خویش را در سه قضیه مهم بیان می‌کند:

قضیه اول یا قضیه اعیان

جهانی که انسان در رابطه متقابل با آن است اعم از درونی یا بیرونی جهان اعیان است؛ یک عین هر چیزی است که معنایی مشترک برای گروهی از مردم داشته باشد. یعنی جهان عبارت است از کلیه چیزهایی که برای انسان قابل فهم بوده و دارای معناهای مشترک می‌باشند. معنای‌ای که انسان می‌تواند به آن اشاره کند، دیگران آن اشاره‌ها را بفهمند و براساس آن اشاره‌ها با یکدیگر رابطه برقرار کند. این اعیان به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱) اعیان فیزیکی: مثل کوه، درخت، میز و ...

۲) اعیان اجتماعی: مانند روابط اجتماعی، ساخت اجتماعی، طبقات اجتماعی، خانواده و یا انسان‌هایی که در روابط اجتماعی قرار می‌گیرند؛ مثل دوست، همسر، معلم و دیگران.

۳) اعیان مجرد (ذهنی): مفاهیم مجردی از قبیل آزادی، دموکراسی، عشق و یا مفاهیم اسطوره‌ای که در تبلور رفتاری قابل مطالعه هستند (تنهایی، ۱۳۹۳: ۲۸۳-۲۸۴).

قضیه دوم یا کنش متقابل اجتماعی

به نظر بلومر، جامعه از ساختارهای کلان مانند فرهنگ و نظم اجتماعی تشکیل نمی‌شود. اساس جامعه را باید در کنشگران و کنش‌هایشان یافت: "جامعه انسانی را باید متشکل از انسان‌های کنشگر به شمار آورد و حیات جامعه را باید متشکل از کنش‌ها دانست" (بلومر، ۱۹۶۹: ۸۵). به عبارتی معانی از خلال کنش متقابل اجتماعی پدید می‌آیند. بلومر معتقد است معانی درگیر در زندگی اجتماعی، نه بر اساس الگوی ذهن‌گرایی، ذهنی است و نه بر سیاق واقع‌گرایی، عینی به معنای خارجی است بلکه بر شیوه عملگرایی، تنها در عمل و تجربه اجتماعی سامان می‌گیرد. هسته کنش اجتماعی می‌تواند، طبقه اجتماعی یا پایگاه اجتماعی و یا هر مقوله اجتماعی دیگری باشد (تنهایی، ۱۳۷۸: ۲۴-۲۲). به مثابه مفهومی تحلیلی، کنش اجتماعی اشاره به همان واقعیت اجتماعی و یا هر واقعیت اجتماعی دارد که

مثلا دورکیم از آن به عنوان وجدان جمعی در بستر تقسیم اجتماعی کار و مارکس از آن به عنوان موقعیت مادی سخن می‌گوید.

قضیه سوم یا قضیه تفسیر

این قضیه وجه تفسیرگرایی بلومر را نسبت به نظریه‌های عوامل گرایی نشان می‌دهد (تنهایی، ۱۳۹۳). زیرا با تاکید بر کنشگر بودن انسان در برابر واکنش نشان دادن، می‌کوشد انسان نمادی را به تصویر کشد (تنهایی، ۱۳۹۴). انسان با توان طبیعی و ممتاز خود می‌تواند در برابر عوامل مختلف به تفسیر نشسته و از تعیین یک جانبه آن‌ها در امان بماند. چنین فرایندی با اشاره معانی مشترک و جمعی به خود و خویشتن و بررسی عمل گرایانه آن توسط خود انجام می‌پذیرد. این همان مفهوم بازتابی بودن خود در نظام مید است. بلومر معتقد است هر آدمی در هنگام فرایند بازنگری، و با توجه به بخش‌های خاطرات موجود در ساختار خود، نتایج هر کنشی را جدا جدا بررسی کرده و بنابر احتساب عمل گرایانه، دست به انجام یک تصمیم، تعلیق آن تصمیم، یا تصحیح آن می‌زند. در هر کدام از این حالات، به هر روی، آدمی در حال کنش، و نه واکنش است (تنهایی، ۱۳۹۳).

ماهیت کنش متقابل اجتماعی (کنش نمادین و غیرنمادین)

ماهیت جامعه کنش متقابل اجتماعی است و باید در میان کنشگران جست و جو شود. از نظر بلومر کنش متقابل اجتماعی یا ساخت سرسخت اگرچه جدی است و شکل دهنده رفتار آدمی، اما آدمی نیز دارای کنش نمادی است که می‌تواند ماهیت این ساخت را به کنش متقابل زنده تبدیل کند. کنش متقابل نمادی عبارت است از فرایندی که هر فرد در آن با آگاهی و تفسیرگری مداخله می‌کند و با توجه به کنش دیگران و تفسیر خویشتن کنش خود را آگاهانه می‌سازد. بنابر این شرایط و ویژگی‌ها این کنش می‌تواند مناسب یا نامناسب باشد. بلومر آن دسته از سلوک اجتماعی را که بر تفسیر و فهم موقعیت مبتنی نباشد، کنش متقابل نانمادی می‌نامد (تنهایی، ۱۳۹۴). از نظر بلومر تفکر، فراگرد کنش متقابل را شکل می‌دهد، اما همه گونه‌های کنش متقابل به تفکر نیاز ندارند. تنها کنش متقابل نمادین است که به تفکر نیاز دارد (ریترز، ۱۳۸۹). به طور کلی بنابر ایده جامعه شناسان تعامل گرا، آنچه ما جامعه می‌نامیم، ریشه در کنش مشخص افراد دارد (مرادی و سعیدپور، ۱۳۸۹).

بلومر نقطه عزمیت کنش متقابل نمادین را در سه فرض ساده خلاصه کرده است. اول این که انسان‌ها بر مبنای معنایی که پدیده‌ها برایشان دارند با آن رفتار می‌کنند، دوم آن که معنای این پدیده‌ها از تعامل اجتماعی بین افراد نشئت می‌گیرد یا به وجود می‌آید و سوم آن که این معانی توسط فرایند تفسیری، اصلاح و به کار گرفته می‌شوند که فرد در مواجهه با پدیده‌هایی که با آن‌ها رودررو می‌شود از آن استفاده می‌کند (بلومر، ۱۹۶۹).

بلومر به دو نوع کنش نانمادی یا واکنش اشاره می‌کند:

۱- واکنش چرخشی: عبارت است از فرایند تشکیل روابط و کنش متقابل نمادی که به عمق اشاره معانی و تفسیر از موقعیت نمی‌رسد. بنابراین افراد بدون هیچ تعبیر و تفسیری معانی اخذ شده از گروه یا جامعه را به دیگران منعکس می‌کنند. این واکنش در بروز رفتارهای جمعی، به ویژه در جماعات نقش اصلی را داراست و با مکانیزم شایعه شدت و گسترش می‌یابد.

۲- واکنش پیوسته: در سازمان‌های بزرگ ساخت یا جوامع صنعتی، به جای تسلط (i) بر کنش‌های افراد، هرگاه حرکات و کنش‌های ساختی مردم متاثر از (Me) یا "من اجتماعی" باشد، کنش به تدریج به نوعی رفتار نامدای و عادت‌ی بدل می‌شود و ساختی مسلط، منظم، پایدار و تکراری پیدا می‌کند (تنهایی، ۱۳۹۴).

معانی و نمادها

مسئله اصلی مورد علاقه نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین، تأثیر معانی و نمادها بر کنش و کنش متقابل بشری است. از موضع کنش متقابل نمادین معنا برخاسته از طبیعت و ذات شی نیست، بلکه معنا را حاصل جریان کنش متقابل بین افراد می‌داند. انسان‌ها نمادها و معانی را طی کنش متقابل اجتماعی فرا می‌گیرند. در حالی که در برابر نشانه‌ها بدون تفکر واکنش نشان می‌دهند، اما در برابر نمادها به شیوه‌ای متفکرانه، عکس‌العمل نشان می‌دهند. معنای یک چیز برای فرد، وابسته به واکنشی است که انسان‌های دیگر در مقابل شی مورد نظر انجام می‌دهند. در واقع فرق اساسی که میان نماد و نشانه است از همین ویژگی نماد می‌باشد. در حالی که نشانه‌ها، قائم به ذات می‌باشند و مقابل هر نشانه فقط یک واکنش می‌توان انجام داد، اما نمادها، شناخته‌های اجتماعی‌اند که به جای چیز دیگری می‌نشینند. نمادها از این جهت تعیین‌کننده‌اند که به انسان‌ها اجازه می‌دهند تا به شیوه انسانی عمل کنند. انسان‌ها به خاطر وجود نمادها در برابر واقعیتی که خودش را نشان می‌دهد انفعالی واکنش نشان نمی‌دهند، بلکه جهانی را که در آن عمل می‌کنند، فعالانه ایجاد و باز ایجاد می‌کنند (ریترز، ۱۳۸۹).

نظریه اجتماعی شدن

اکثر جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، اجتماعی شدن را مترادف اجتماعی کردن دانسته‌اند و آن را به دوران کودکی و نوجوانی منحصر می‌دانند، حال آن‌که تفسیرگرایان معتقدند که اجتماعی شدن، جریان و فرآیندی مادام‌العمر بوده که از اول زندگی تا آخر عمر ادامه دارد. تفسیرگرایان میان جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن تفاوت گذاشتند. بلومر معتقد است که انسان نخست در فرایند «یادگیری» هنجارهای اجتماعی را فراگرفته و نه اینکه الزاماً آن‌ها را پذیرفته باشد و سپس در ارتباط و کنش با دیگران «اجتماعی» می‌شود، یعنی با آن‌ها مرتبط شده و کنش می‌کند (تنهایی، ۱۳۹۴).

باید توجه داشت که پی در پی بودن مراحل به معنای پایان یکی و آغاز دیگری نیست بلکه فرایند یادگیری و فراگیری، مادام‌العمر بوده و هر دو مرحله همراه با هم طی می‌شوند. بلومر نیز همان‌گونه که گفته شد این فرایند، رابطه فرد و جامعه را در دو مرحله قابل تفکیک می‌داند:

۱) مرحله یادگیری (که مترادف جامعه‌پذیری و یکی شدن و ذوب شدن است).

۲) مرحله اجتماعی شدن.

اجتماعی شدن عبارت است از جریانی که انسان در آغاز آن هنجارهای اجتماعی را یاد گرفته و با آن‌ها تطبیق می‌یابد، و تنها بعد از جامعه‌پذیری است که فرایند اجتماعی شدن می‌تواند رخ دهد (تنهایی، ۱۳۹۳).

واسطه‌های اجتماعی شدن

بلومر فرایند اجتماعی شدن را با شش میانجی یا واسطه ممکن می‌داند. به عبارت دیگر از نظر بلومر شش میانجی به اجتماعی شدن افراد کمک می‌نمایند:

۱) والدین و خانواده.

۲) دیگری مهم: خویشاوندانی که در رفت و آمد می‌باشند و بر روی کودک اثر تربیتی خاصی دارند.

۳) گروه همالان: کسانی که بنا به سلیقه و عادات و تعلقات شخصی و فکری دور هم جمع می‌شوند.

۴) مدارس و سازمان‌های رسمی.

۵) مجامع عمومی.

۶) رسانه‌ها و ارتباطات جمعی.

بلومر و هویت قومی

بلومر، قومیت را پدیده‌ای فرهنگی می‌داند که در اثر «دیالکتیک بین شباهت با اعضای گروه قومی و تفاوت با دیگران» شکل می‌گیرد. وی با گسترش مفهوم تعصب قومی پارک به عنوان شکلی از رابطه گروهی استدلال می‌کند که برای درک مفهوم تعصب باید از تأکید بر احساس فردی دور شده و به مفهوم جایگاه گروه تأکید کرد. از نظر بلومر، خصومت‌ها یا همدردی‌های گروه قومی اکثر ناشی از احساس فرد در مورد موقعیت و جایگاه گروه در رابطه با گروه‌های دیگر است. تعصب گروهی ناشی از ارزیابی افراد و تعریف و تفسیر تجربیات خود و وقایعی است که تجربیات قومی را پدید آورده است. به این ترتیب تعریف جمعی گروه از وضعیت خود، معادل فرایند مستمر تجربه اندوزی است که ممکن است در خانه، محل کار، همایش‌ها، خیابان، مطبوعات، رادیو یا تلویزیون جریان یابد. از نظر بلومر، هیچ گروه قومی از این فرایند تعریف جمعی در امان نیست و متقابلاً این تفسیرها بر نگرش‌ها، تعصبات و احساسات گروه قومی تأثیر گذار خواهد بود (مالشویچ، ۱۳۹۰: ۱۱۲-۱۱۱).

رفتار جمعی و جنبش‌های اجتماعی:

بلومر در رفتار جمعی دو کانون اصلی را مورد توجه قرار داده است. نخست مطالعه اشکال ابتدایی رفتار جمعی، همچون انبوه از هم پاشیده و هیجان زده شده مردم (جماعت غوغاسالار) یا اضطراب جنگ. دوم مطالعه شیوه‌هایی که از طریق آن این اشکال ابتدایی تبدیل به رفتار تنظیم شده و سازمان یافته می‌شوند. ویژگی برجسته رفتار جمعی ابتدایی شیدایی و بی‌قراری است که به صورت دورانی انتقال

می‌یابد و بدین گونه هر فرد، هیجان تولید شده توسط فرد دیگر را باز تولید می‌کند و زمانی که بار دیگر این هیجان به خود او باز می‌گردد، دچار هیجان مضاعف می‌شود (اسملسر، ۱۳۸۰: ۱۱). بلومر به هنگام بحث در مورد جنبش اجتماعی به موضوع تبدیل رفتار جمعی ابتدایی به رفتار سازمان یافته می‌پردازد. او معتقد است جنبش اجتماعی در خلال توسعه‌اش دارای سازمان و شکل، آداب و سنن، تقسیم کار، رهبری استقرار یافته، قواعد اجتماعی و ارزش های اجتماعی می‌شود (مرادی و سعیدیپور، ۱۳۸۹). بلومر جنبش های اجتماعی را عبارت از تشکل و گروه بندی های آگاهانه و نمادی در سطح کنش پیوسته در فرایند ساخت اجتماعی "پیش رونده" توصیف می‌کند و معتقد است که سه نوع عمده جنبش ها را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد:

۱) **جنبش های اجتماعی عام یا عمومی:** این جنبش ها قادر هستند گروه های مختلف اجتماعی از طبقات گوناگون را گرداگرد مسایل خاص اجتماعی جمع نمایند و نقطه نظرات مشترکی را دنبال کنند. به عبارت دیگر واژه‌ی عام به این معناست که منحصر به گروه یا طبقه‌ی خاصی نیست و گروه‌ها و اقشار مختلفی می‌توانند در آن دخالت داشته باشند، مثل جنبش اجتماعی زنان، نهضت کارگران و ...

۲) **جنبش های اجتماعی خاص:** این جنبش ها اولاً در یک منطقه خاص اتفاق می‌افتند، ثانیاً گروه های خاصی در برابر گروه های خاص دیگری قرار می‌گیرند و ضدیت گروه های مقابل از ترکیب آن ها با هم جلوگیری کرده و معمولاً به درگیری میان آن ها می‌انجامد: مانند جنبش ها و نهضت های انقلابی.

۳) **جنبش های اجتماعی - نمایشی (تظاهری):** جنبش های هنری، دینی، ورزشی یا مدگرایی را می‌توان در این دسته جای داد.

بنابراین مهم ترین ویژگی نهضت ها و جنبش های اجتماعی مبتنی بودن آن ها بر کنش نمادی از نوع کنش پیوسته و برنامه ریزی آگاهانه جهت تحقق اهداف خاصی است. این خصوصیات مهم ترین وجه تمایز رفتارهای جمعی و جنبش های اجتماعی به شمار می‌رود (تنهایی، ۱۳۹۴).

به نظر بلومر رشد جنبش ها و یا رفتارهای جمعی از پنج مرحله می‌گذرد:

۱- **انگیزش اجتماعی:** در این مرحله ابتدا جنبش باید به طور استدلالی و عقلی، اهداف و انگیزه های خود را درباره مسایل عمده اجتماعی مشخص نماید.

۲- **همبستگی یا روح گروهی:** برای ایجاد کنش پیوسته و مشترک نهضت ناگزیر از تشکیل واحدهای کوچک، غیرمتمرکز و مبتنی بر روابط غیر رسمی است تا بتواند توده پراکنده مردم را که عمدتاً در حد رفتار عامه عمل می‌کند در قالب میتینگ های عمومی برانگیزد و آن ها را به گروه های به هم پیوسته و متحد تبدیل کند. به بیانی واضح تر می‌توان گفت که گروه های کوچکی چون گروه های فامیلی، همسالان، همالان و همدردان، هم محله ای ها و ... همگی می‌توانند گروه های پیوند دهنده تلی شوند، که کارکرد اصلی آن ایجاد همبستگی گروهی است.

۳- **روحیه یا دلگرمی جمعی:** در این مرحله لازم است جنبش‌های اجتماعی نوعی از گرایش‌ها و اعتقادات مذهبی و یا مکتبی را در جهت معتقد کردن افراد به راه‌ها و اهداف جنبش، در خود رشد دهد تا به کمک این احساسات گروه‌های کوچک بتواند در برابر پراکندگی خطرات و ناملايمات خود را همچنان متحد نگه دارند.

۴- **ایدئولوژی یا آرمان‌شناسی:** در این مرحله جنبش باید قادر باشد گرایش‌های متحد کننده و مکتبی خود را در قالب باورها و ارزش‌های جمعی و اسطوره‌ای که بر کلیه‌ی قشرهای مردم قدرت نفوذ و هدایت‌گری دارد به ایدئولوژی راهبر و جهت بخش تبدیل نماید.

۵- **تاکتیک‌های عملیاتی:** هر نظریه ایدئولوژیک زمانی پیروز می‌شود که راه‌های عملی خاصی، جهت رسیدن به اهداف در برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت را مشخص کرده باشد. پی در پی بودن و انجام درست و نشان دادن هر یک از این مراحل شرط لازم و کافی پیروزی هر جنبش و نهضت اجتماعی خواهد بود (تنهایی، ۱۳۹۴).

مبانی بینشی و روشی بلومر

مبانی بینشی

نظریه پردازان کنش متقابل نمادین عموماً از گرایش جامعه‌شناسان دیگر به تأکید بر ساختارهای کلان بسیار انتقاد می‌کنند. بلومر در پیشاپیش کسانی قرار دارد که به این جبرگرایی جامعه‌شناختی که کنش اجتماعی مردم را بیشتر به منزله جریان خارجی یا تجلی نیروهای عمل کننده بر آن‌ها در نظر می‌گیرد تا عملکردهایی که ساخته و پرداخته تفسیر آدم‌ها از موقعیت‌هایشان است، انتقاد دارند. همین تأکید بر تأثیر الزام آور ساختارهای پهن دامنه، جامعه‌شناسان سنتی را به یک رشته پنداشت‌هایی درباره کنشگر و کنش سوق می‌دهد که با پنداشت‌های نظریه‌پردازان کنش متقابل مغایرت دارند. جامعه‌شناسان سنتی به جای در نظر گرفتن کنشگران به عنوان کسانی که موقعیت‌هایشان را پیوسته تعریف می‌کنند، گرایش به تقلیل کنشگران به آدم ماشینی‌های بی تفاوت در سطح اجتماعی یا انبوهه‌ای دارند. نظریه‌پردازان کنش متقابل به خاطر پرهیز از جبرگرایی و برداشت ماشینی از کنشگران، نظر بسیار متفاوتی را درباره ساختارهای اجتماعی پهن دامنه مطرح می‌سازند، و بلومر از همه بهتر توانسته است این نظر را ارایه کند. به نظر بلومر، جامعه از ساختارهای کلان ساخته نشده است. جوهر جامعه را باید در میان کنشگران و کنش آن‌ها جست‌وجو کرد. جامعه بشری را باید مرکب از آدم‌های عمل کننده دانست و حیات جامعه را باید متشکل از کنش‌های انسان‌ها در نظر گرفت. جامعه بشری همان کنش است و زندگی گروهی در واقع، مجموعه‌ای از فعالیت‌های جاری است. با این همه، جامعه از مجموعه‌ای از عملکردهای جداگانه ساخته نشده است. کنشی جمعی نیز وجود دارد که افرادی را در برمی‌گیرد که خطوط کنش‌شان را با یکدیگر هماهنگ می‌کنند، و شامل افراد مشارکت کننده‌ای می‌شود که نه

تنها به خود بلکه به همدیگر نیز اشاره‌هایی رد و بدل می‌کنند. این همان کنشی است که مید عمل اجتماعی نامیده بود، ولی بلومر آن را کنش مشترک می‌خواند. بلومر این فکر را پذیرفت که ساختارهای پهن‌دامنه از فراگردهای خرد پدیدار می‌شوند. به نظر او کنش مشترک پهن‌دامنه مهم‌ترین موضوع بررسی به شمار می‌آید. یک کنش مشترک تنها مجموعه‌ای از عملکردهای فردی نیست، بلکه این کنش خصلتی مختص به خود پیدا می‌کند. کنش مشترک برای کنشگران و کنش‌هایشان جنبه‌ای خارجی و الزام آور ندارد، بلکه به وسیله کنشگران و کنش‌هایشان ایجاد می‌شود. به عقیده بلومر بررسی کنش مشترک، قلمرو جامعه‌شناسان است (ریترز، ۱۳۸۹: ۳۰۱-۳۰۰).

مبانی روشی

هریک از جامعه‌شناسان برای فهم بهتر مسایل اجتماعی، روشی را در پیش می‌گیرند. برخی روش‌های کمی و برخی دیگر روش‌های کیفی را مناسب می‌دانند. به همین منظور و برای شناخت بهتر و ارزیابی راه‌حل‌های ارایه شده از سوی جامعه‌شناسان، لازم است که افکار و اندیشه‌های آنان را بررسی نمود (نواح و همکاران، ۱۳۹۴).

بلومر در زمینه روش‌شناسی علوم اجتماعی نظرات گسترده‌ای را ارایه کرده است. در ابتدا وی از روش علمی متداول آن دوره سخت انتقاد می‌کرد، همچنین وی از روش تحلیل متغیر، که توسط پوزیتویست‌ها و اغلب جامعه‌شناسان، به طور متداول استفاده می‌شد، انتقاد داشت. بلومر در این که روش‌ها جنبه تفسیری عمل انسان را در نظر نمی‌گیرند و همچنین از طریق عملیات ساده سازی و مفهوم سازی متغیرات در پژوهش اجتماعی سخت انتقاد می‌کرد. بلومر در نهایت عناصر اصلی روش‌شناسی تحقیق در نظریه تعامل‌گرایی را چنین بیان می‌دارد: الف) مشاهده و مطالعه مستقیم واقعیت خارجی زندگی گروه انسانی؛ ب) تأکید بر مطالعه تجربی؛ ج) مطالعه مستقیم و بی‌واسطه‌ای که در بردارنده همه لوازم مطالعه تجربی است، اطلاعات لازم را برای دستیابی به اصول کلی و دیدگاه انتزاعی به کار می‌گیرد؛ د) قضایای اصلی در نظریه‌ی تعامل‌گرایی، به واسطه برخورد و مطابقت با واقعیت‌ها و تجربه معتبر شناخته می‌شود (آزاد ارمکی؛ ۱۳۸۶: ۲۷۶).

ماهیت تحقیق مورد نظر بلومر طبیعت‌گرایی ساده، و منظور از آن، تحقیقی است که با استفاده از روش مطالعه موردی، در مکتب شیکاگو انجام می‌شد. ویژگی بارز روش طبیعت‌گرایانه این است که برای ماهیت جهان اهمیت قائل است (غفاری نسب و ایمان، ۱۳۸۸).

به عبارت دیگر بلومر بر روش درون‌نگری همدلانه^۱ برای بررسی زندگی اجتماعی، اصرار می‌ورزد. در حقیقت پژوهش‌گران کنش متقابل‌گرا باید خود را جای کنشگران قرار دهند تا بتوانند موقعیت آن‌ها را

۱. Sympathetic Introspection

در نظریه کنش متقابل نمادین درک کنند. این نگرش به ترجیح روش‌های «ترم» به جای روش‌های «سخت» منجر می‌شود به نظر او جامعه‌شناسان برای فهمیدن دیدگاه کنشگران مورد بررسی‌شان باید از قوه شهودشان استفاده کنند و در این راه حتی تا آنجا پیش بروند که همان مقولات کنشگران را به کار برند (ریترز، ۱۳۸۹: ۳۰۱).

ویژگی‌های روش طبیعت‌گرایانه از نظر بلومر

- ۱) مطالعه در محیط‌های جهان واقعی و نه در محیط‌های مصنوعی که برای هدف تحقیق ایجاد شده اند.
- ۲) در روش طبیعت‌گرایانه، مطالعه فرایندهای اجتماعی با کمترین دخالت محقق صورت می‌گیرد؛ در حالی که در تحقیقات آزمایشگاهی، متغیرها به گونه‌ای فیزیکی کنترل می‌شوند.
- ۳) در این روش، راهبردهای انعطاف‌پذیری برای گردآوری داده‌ها در پیش گرفته می‌شوند و در فرایند تحقیق تصمیم گرفته می‌شود که چه داده‌هایی باید گردآوری شوند. این روش در مقابل شیوه‌های از قبل ساخت یافته گردآوری داده، که ویژگی تحقیق پیمایشی است، قرار می‌گیرد.
- ۴) پژوهش درباره‌ی فرایندهای تعامل اجتماعی واقعی، همان‌گونه که رخ می‌دهند، انجام می‌شوند؛ در حالی که در روش پیمایش، بر پرسش‌نامه‌هایی که از پیش طراحی شده‌اند تأکید می‌شود.
- ۵) تحقیق، مستلزم بر ساختن مدل فرایند تحت مطالعه است، که در تقابل با آزمودن مجموعه‌ای از فرضیه‌های از قبل تعریف شده قرار می‌گیرد (غفاری نسب و ایمان، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

ارزیابی اندیشه‌های متفکر

اعتبار علمی متفکر

اصطلاح نظریه کنش متقابل نمادین را هربرت بلومر، از پیروان سنت فکری مید و کولی در سال ۱۹۳۷ وضع کرد (دیلینی، ۱۳۸۸: ۲۶۸).

بلومر اولین کسی بود که به‌طور رسمی با جامعه‌شناسی کارکردگرایی-ساختاری مخالفت کرد. در حقیقت آنچه بلومر طرح کرد باعث شد که مفاهیم تفسیری در جامعه‌شناسی آمریکا و اروپا جان تازه ای بگیرد و هدف و مسیر اصلی خود را بازیابد و راه‌های تازه‌ای فراسوی خود پیدا نماید. این به‌ویژه به نوع تفسیر وی از تجربه باز می‌گردد (تنهایی، ۱۳۹۳: ۴۴۵).

رویکرد ضدکارکردگرایی ساختاری او را می‌توان از محوری‌ترین مطالعات در سطح جامعه‌شناسی خرد دانست (عبدوس و احمدیان، ۱۳۹۵).

نظریه کنش متقابل نمادین در نظریه‌پردازان برچسب زنی (هوارد بکر)، پدیدارشناسان و روش‌شناسان قومی (هارولد گارفینگل) تأثیر گذاشته است (تنهایی، ۱۳۹۳).

مهم‌ترین تأثیر بلومر در جامعه‌شناسی روش‌شناسی اوست (عبدوس و احمدیان، ۱۳۹۵).

تأکید بر روش‌های کیفی و نرم: بلومر به کاربرد روش درون‌نگری همدلانه برای بررسی زندگی اجتماعی اصرار می‌ورزد. به عبارت دیگر نظریه‌پردازان کنش متقابل در تحقیقات‌شان باید خودشان را جای کنش‌گران مورد بررسی‌شان بگذارند تا بتوانند موقعیت را از دیدگاه آن‌ها درک کنند. این نگرش به ترجیح روش‌های نرم (کیفی) به جای روش‌های سخت (کمی) در نظریه کنش متقابل نمادین منجر می‌شود. به هر روی بلومر اعتقاد ندارد که این ترجیح، عدم رشد علمی جامعه‌شناسی را منعکس می‌سازد، بلکه موضوع متمایز این رشته را نشان می‌دهد (ریترز، ۱۳۸۹: ۲۰۳).

بلومر دیدگاهی را برای نگرستن به جهان، به جامعه‌شناسی ارایه می‌کند که بر بسیاری از مطالعات و تحقیقات، از بیماری و مرگ گرفته تا اشتغال و تعامل داخل کلاس درس، از جنبش‌های اجتماعی و رفتارهای جمعی تا الگودهی و سازمان‌دهی و مشکلات اجتماعی اثر گذاشته است. توجه گسترده بلومر نسبت به جهان تجربی و ارایه یک روش‌شناسی دقیق برای کندوکاو و بررسی آن باعث هدایت و راهنمایی جامعه‌شناسان بسیاری شده است. بلومر، جامعه‌شناسی متعلق به قرن بیستم بود. تأثیرات وی-عمدتاً به دلیل پایه‌گذاری نظریه تعامل‌گرایی نمادی- بسیار گسترده بوده است. وی اگرچه نویسنده و محقق پر کار نبود اما به واسطه جهان‌نگری خاص خود نسلی از جامعه‌شناسان را تربیت کرد. وی میراث عمل‌گرایی را به همه‌ی آن‌ها انتقال داد (استونز؛ ۱۳۹۲: ۱۴۵-۱۴۷).

اعتبار عملی (کاربرد اندیشه)

کاربرد کنش متقابل نمادین در حوزه ارتباطات: در یک نگاه کلی می‌توان جایگاه نظریه کنش متقابل نمادین را در ارتباطات میان فردی (کلامی و غیر کلامی) جست و جو کرد. در زندگی روزمره که قلمرو اصلی کنش متقابل نمادین است، اتفاقات بسیار جالبی می‌افتد که نشان‌دهنده ظرفیت «خلاق» و «پویای» کنش متقابل نمادین در حوزه ارتباطات انسانی است. کنش متقابل نمادین توجه ما را به جزئیات ارتباطات بین افراد جلب می‌کند و این‌که چگونه از آن جزئیات برای فهمیدن آنچه دیگران می‌گویند و انجام می‌دهند می‌توانیم استفاده کنیم. نظریه کنش متقابل اجتماعی، نظریه ارتباطات است، ارتباطی که با افراد، اشیای فیزیکی، اشیای اجتماعی (مثل گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی) و اشیای انتزاعی (مفاهیم اخلاقی یا مذهبی) صورت می‌گیرد. با مبادله اطلاعات معنادار و ارتباطات چهره به چهره از طریق اداها، حالات چهره، حرکات بدن و گفتگو با استفاده از کنش متقابل نمادین می‌توانیم نمادهای معنادار مشترک با دیگران را یاد بگیریم و از این طریق می‌توانیم از خودمان، خودی و انمودی به دیگران ارایه بدهیم. این نحوه عمل فرد در ارتباطات میان فردی در فرایند کنش متقابل نمادین به دست می‌آید که البته درجه موفقیت یا عدم موفقیت افراد به ذخایر مشترک نمادهای معنادار بین انسان‌ها بستگی دارد (استونز؛ ۱۳۹۲: ۱۶۳-۱۶۲).

موریس روزنبرگ جهت بالا بردن فهم ما از مفهوم خود، کارهای قابل‌اعتنایی انجام داد. روزنبرگ میان خود موجود، خود دلخواه و خود وانمودی تمایز قابل شده بود. از نظر وی خود موجود، تصویری است

که ما هم اکنون از شکل خودمان داریم؛ خود دلخواه، تصویری است از آنچه که دوست داریم باشیم؛ و خود وانمودی، شیوه‌ای است که ما در یک موقعیت از خودمان نشان می‌دهیم. علاوه بر این روزنبرگ درباره انگیزه احترام به خود تحقیقی تجربی انجام داده است و به خاطر همین تحقیق آوازه‌ای به هم زده است. به هر روی، تحلیل مفهومی روزنبرگ از مفهوم برداشت از خود، به اندیشه اصلی نظریه کنش متقابل نمادین خدمت شایانی کرده است (استونز؛ ۱۳۹۲: ۲۸۹).

کاربرد تأثیر کنش متقابل در گردشگری: ممکن است مسافران خارجی را به سبب سود و منافع اقتصادی که آن‌ها با خود می‌آورند با روی گشاد بپذیرند و شاید برخی از آن‌ها به دلیل حالت طلبکارانه و پرتوقع همراه با غرور گردشگران، یا به دلیل توسعه‌ی بیش از اندازه‌ای که اغلب در مناطق محبوب گردشگران به وجود می‌آید از آن‌ها بیزار باشند. برای مثال نگاه خیره گردشگر به اهالی محلی، ممکن است باعث تنش‌هایی میان گردشگران و اهالی محلی شود و یا نگاه یک مسلمان به یک گردشگر اروپایی که با ظاهر و پوشش غیر اسلامی وارد شهر شده، ممکن است این گونه تفسیر شود که گردشگران هنجارها و خطوط قرمز مذهبی را می‌شکند و این موجب ضربه بر فرهنگ مذهبی مردم می‌شود و ممکن است باعث عکس‌العمل‌های متفاوتی از سوی اهالی محل گردد و یا نگاه منفی اروپاییان به یک عرب مسلمان که به عنوان یک توریست وارد کشور اروپایی شده ممکن است باعث شود که حرکت معمولی او را اقدام برای ترور تفسیر کند. در مجموع، از آن رو که صنعت گردشگری در اثر جهانی شدن رو به افزایش است، جامعه‌شناسان ناچارند نگاه دقیق‌تری به پدیده گردشگری بیندازند تا دریابند که چه الگوهایی از کنش متقابل میان گردشگران و اهالی محلی پدید می‌آید و آیا این کنش‌های متقابل جهت‌گیری دوستانه دارند یا خصمانه (انوری؛ ۱۳۹۰: ۱۶۴).

نقد و بررسی

انتقاد عمده به نظریه کنش متقابل نمادین این بوده است، که به چشم‌پوشی از ساختارهای اجتماعی پهن‌دامنه گرایش دارد.

به دیدگاه کنش متقابل نمادین انتقادات و ایرادات فراوانی وارد شده است. نخست به مفاهیم استفاده شده در این دیدگاه به خاطر گنگ و نامفهوم بودنشان انتقاد شده است. مفاهیمی همچون ذهن، خود، من و درمن که مورد استفاده می‌بودند، به خاطر مبهم بودن و عدم دقت سخت مورد انتقاد قرار گرفتند. جریان اصلی نظریه کنش متقابل نمادین، فنون علمی متعارف (روش‌های کمی مثل پرسشنامه و پیمایش) را بیش از حد نادیده گرفته است. در واقع منتقدین اثبات‌گرا، روش مشاهده مستقیم، ملاحظات شخصی منفرد و درون‌نگری همدلانه را فاقد دقت علمی می‌دانند (ریترز، ۱۳۸۹).

همچنین برخی مانند هیوبر (۱۹۷۳) دیدگاه روش شناختی بلومر (تحقیق طبیعت گرایانه)، را نقد کرده‌اند. هیوبر می‌گوید که تحقیق طبیعت گرایانه به نوع خاصی از سوگیری امکان می‌دهد که به تحقیق وارد شود. از آنجا که اینگونه تحقیق، توصیف و نظریه‌ها را از داده‌ها استنتاج می‌کند و بر دیدگاه

افراد مورد مشاهد و مصاحبه مبتنی است، احتمال بسیاری وجود دارد که دیدگاه محققان و حتی افراد مورد بررسی سبب شود سوگیری در داده‌ها و اطلاعات بروز کند. بروز این سوگیری به جهت آن است که محقق طبیعت گرا به جای آزمون فرضیه، بر رایه نظریه براساس فرایند مشاهده مشارکتی تکیه می‌کنند. از این رو چون هیچ گونه آزمون روشن و دقیقی در مورد فرضیه‌ها صورت نمی‌گیرد، کنترلی بر نفوذ و تاثیر دیدگاه‌های محقق و افراد مورد بررسی وجود ندارد (هیوبر، ۱۹۷۳).

مک فایل (۱۹۷۹) نیز روش شناسی بلومر را نقد کرده و بیان می‌کند که بلومر نتوانسته اهمیت اساسی روش فرضی- قیاسی را به عنوان زیر بنای روش‌های کمی به خوبی درک کند. بلومر در پاسخ می‌گوید که تحقیق طبیعت گرایانه نیز، در بردارنده آزمون فرضیه است، با این حال، کاربرد آن به جای روش فرضی- قیاسی چندان قانع کننده به نظر نمی‌رسد (مک فایل، ۱۹۷۹).

همچنین از نظریه کنش متقابل به خاطر چشم‌پوشی از عوامل روان‌شناختی همچون نیازها، انگیزه‌ها، نیت‌ها و آرزوها نیز انتقاد شده است (ریترز، ۱۳۸۹).



منابع و مأخذ

- استونز، راب (۱۳۹۲)، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران، نشر سعدی، چاپ هشتم.
- اسملسر، نیل (۱۳۸۰)، تئوری رفتار جمعی، ترجمه رضا دژکام، موسسه یافته‌های نوین با همکاری موسسه نشر دواوین.
- انوری، محمدرضا (۱۳۹۰)، نقد و بررسی نظریه کنش متقابل نمادین، نشر معرفت، سال بیستم، شماره ۱۶۷.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سروش انتشارات صدا و سیما، چاپ چهارم.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۸). جایگاه نظریه هربرت بلومر در جامعه‌شناسی معرفت، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۱۰، صص ۳۹-۵۸.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۶). ساختارشناسی کنش پیوسته در نظریه کنش متقابل نمادی هربرت بلومر، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، شماره ۸، صص ۹-۲۴.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۳)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد: نشر مردیز. چاپ هفتم.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد: نشر مردیز، چاپ چهارم.
- دیلینی، تیم (۱۳۸۸)، نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی، چاپ پانزدهم.
- صلیبی، ژاسنت (۱۳۹۰). تحلیلی بر سهم ارتباطات غیرکلامی در کنش متقابل اجتماعی، مجله جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۲۰.
- عبدوس، فاطمه و احمدیان، ناهید (۱۳۹۵)، بررسی جامعه‌شناختی کنش مشترک از منظر تعامل گرایي نمادین هربرت بلومر در نمایشنامه تاریخی سیاسی فنشن نوشته دیویدهر؛ فصلنامه علمی پژوهشی تئاتر، شماره ۶۵، صص ۳۰-۵۰.
- غفاری نسب، اسفندیار و ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸)، بررسی روش‌شناسی هربرت بلومر در مطالعات اجتماعی، فصلنامه‌ی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۵، شماره‌ی ۶۱، صص ۱۰۳-۱۲۲.
- مالشوویچ، سینیشا (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی قومیت، ترجمه پرویز دلیرپور؛ تهران: انتشارات آمه.

• مرادی، گلمراد و سعیدپور، بهمن (۱۳۸۹)، بررسی نقش محرومیت نسبی در ایجاد رفتار جمعی جوانان شهر کرمانشاه بر اساس نظریه تعامل گرایی بلومر؛ مجله علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)، شماره ۱۶، صص ۱۶۳-۱۹۲.

• نواح و همکاران (۱۳۹۴). نخستین همایش بین‌المللی جامع علوم اجتماعی ایران. مرکز همایش‌های توسعه ایران، صص ۱-۹.

- Blumer, H. (1969), *Symbolic Interactionism: Perspective and Method*. New Jersey: Prentice-Hall, Inc.
- Henslin, J. M. (1999). *Sociology: Dawn to Earth*. Allyn & Bacon.
- Huber, J. (1973). Symbolic interaction as a pragmatic perspective: The bias of emergent theory. *American Sociological Review*, 274-284.
- Lewis, J. D., & Smith, R. L. (1980). *American sociology and pragmatism: Mead, Chicago sociology, and symbolic interaction*.
- Macionis, John J. (2003). *Sociology*, Englewood Cliffs, NJ, Prentice Hall.
- McPhail, C. (1979). Experimental research is convergent with symbolic interaction. *Symbolic Interaction*, 2(1), 89-94.
- Prus, R. (2004). Symbolic interaction and classical Greek scholarship: Conceptual foundations, historical continuities, and transcontextual relevancies. *The American Sociologist*, 35(1), 5-33.